

نظام آغازگر در دو زبان فارسی و انگلیسی: مطالعه‌ای رده‌شناختی

دکتر اسماعیل صفائی اصل (دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)^۱

دکتر رضامراد صحرایی (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)^۲

چکیده

مقاله حاضر در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند و بر مبنای رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند و مشخصاً تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) انجام یافته است. هدف از انجام این پژوهش توصیف رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر در دستور بند ساده زبان فارسی بر مبنای تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن و مقایسه رفتارهای رده‌شناختی یادشده زبان فارسی با رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر در دستور بند ساده زبان انگلیسی بوده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهند که با توجه به تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن در ارتباط با نظام آغازگر، دو زبان فارسی و انگلیسی به استثنای یک مورد در بقیه مؤلفه‌های رده‌شناختی رفتارهای یکسانی دارند. به بیانی مشخص‌تر، هر دو زبان فارسی و انگلیسی (۱) دارای ساخت آغازگری-پایان‌بخشی یکسان هستند، (۲) با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار به یک شکل برخورد می‌کنند، (۳) آغازگرهای نشان‌دار از نوع محض را از طریق واحدهای زبانی نشانه‌گذاری می‌کنند، (۴) هر دو نوع آغازگر ساده و چندگانه را دارا هستند، و (۵) با عناصر سازنده آغازگر چندگانه به یک شکل برخورد می‌کنند. اما زبان فارسی برخلاف زبان انگلیسی که نظام آغازگرش وجه‌مقید است دارای نظام آغازگر وجه-آزاد می‌باشد.

واژگان کلیدی: رده‌شناسی نظام‌مند، تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن، نظام آغازگر، فارسی، انگلیسی.

۱. مقدمه

رده‌شناسی زبان^۱ که به مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها می‌پردازد (رک. کامری^۲، ۲۰۰۱: ۲۵؛ نقل شده در دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲) در کنار مسائل زبانی بسیار متنوعی از جمله 'رشد زبان در کودک'، 'زبان‌شناسی آموزشی'^۳، 'زبان‌شناسی رایانشی'^۴، و 'زبان‌شناسی بالینی'^۵ در کانون توجه 'دستور نقش‌گرای نظام‌مند'^۶ قرار دارد (کافارل^۷ و دیگران، ۲۰۰۴: ۲ و ۵). به گفته کافارل و دیگران (همان: ۵)، مطالعه رده‌شناسی زبان از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند که 'رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند'^۸ یا به اختصار 'رده‌شناسی نظام‌مند'^۹ نامیده می‌شود از همان آغاز شکل‌گیری نظریه یادشده مطرح بوده است و ریشه در 'زبان‌شناسی فرشی'^{۱۰} دارد و با علاقه مکتب پراگ^{۱۱} به 'ماهیت‌شناسی'^{۱۲} زبان‌ها در ارتباط است. گفتنی است که در رده‌شناسی نظام‌مند که نظام‌های زبان‌ها و نه کلیت آن‌ها را بررسی می‌کند (کافارل و دیگران، همانجا)، زبان‌شناسان به دنبال دست‌یابی به آن دسته از 'تعمیم‌های تجربی'^{۱۳} هستند که در اصل بتوان آن‌ها را به تمام زبان‌های جهان اعمال کرد. شایسته ذکر است که تعمیم‌های تجربی تعمیم‌هایی هستند که مبتنی بر نمونه‌های زیادی از توصیفات زبانی می‌باشند (ترویا و متیسن^{۱۴}، ۲۰۱۳: ۱۶). در راستای هدف یادشده رده‌شناسی نظام‌مند و از رهگذر بررسی نظام‌های اندیشگانی^{۱۵} (منطقی^{۱۶} و تجربی^{۱۷})، بینافردی^{۱۸}، و متنی^{۱۹} 'دستور بند'^{۲۰} زبان‌های متعدد و متنوعی از جمله

1. language typology
2. Comrie
3. educational linguistics
4. computational linguistics
5. clinical linguistics
6. Systemic Functional Grammar
7. Caffarel
8. systemic functional typology
9. systemic typology
10. Firthian linguistics
11. Prague school
12. characterology
13. empirical generalizations
14. Teruya & Matthiessen
15. ideational
16. logical
17. experiential
18. interpersonal
19. textual
20. clause grammar

انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، دانمارکی، عربی، ژاپنی، تاگالوگ^۱، چینی، ویتنامی، تلوگو^۲، و پیچان چاچارا^۳، متیسن (۲۰۰۴) به مجموعه‌ای از 'تعمیم‌های رده‌شناختی'^۴ یا به تعبیر کرافت^۵ (۲۰۰۳: ۱) 'همگانی‌های رده‌شناختی'^۶ دست یافته است. شایان ذکر است که از آن‌جا که این تعمیم‌ها مبتنی بر توصیفات به دست آمده از زبان‌ها بوده است، متیسن از آن‌ها با عنوان 'تعمیم‌های توصیفی'^۷ یاد کرده است (۵۳۷). متیسن (همانجا) در ارتباط با تعمیم‌های رده‌شناختی پیشنهادی‌اش مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش در جهت گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند به کار بست. البته وی بلافاصله تصریح کرده است که "ارائه یک نقشه تعمیم‌یافته هنوز ممکن نیست اما باید در آن جهت حرکت کنیم".

در راستای ادعای یادشده متیسن در بالا، مقاله حاضر در تلاش است تا بر اساس تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن به توصیف نظام آغازگر^۸ زبان فارسی از یک سو و سنجش آن با نظام آغازگر زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی غالب در حوزه آموزش در ایران از سوی دیگر پردازد. برای انجام این مهم، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

- در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴)، نظام 'آغازگر' دستور بند زبان فارسی چه رفتارهایی را از خود نشان می‌دهد؟
- رفتارهای رده‌شناختی نظام 'آغازگر' در دستور بند دو زبان فارسی و انگلیسی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند؟

1. Tagalog
2. Telugu
3. Pitjantjatjara
4. typological generalizations
5. Croft
6. typological universals
7. descriptive generalizations
8. THEME

نظام آغازگر به عنوان یکی از منابع فرانش (metafunction) متنی بند را در هیئت یک 'پیام' (message) بازنمایی می‌کند و به کمک 'ساخت آغازگری-پایان‌بخشی' (thematic structure) نمود می‌یابد. بدین شکل، بند در هیئت یک پیام از دو عنصر آغازگر (Theme) و پایان‌بخش (Rheme) تشکیل می‌یابد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۸۸ و ۱۱۴-۱۱۵).

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از مطالعات انجام یافته پیرامون نظام 'آغازگر' در هر یک از دو زبان فارسی و انگلیسی معرفی می‌شود. شایسته یادآوری است که سال انتشار کتاب مشتمل بر تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن^۱، یعنی ۲۰۰۴ (۱۳۸۲)، مبدأ زمانی برای انتخاب مطالعات یادشده در این پژوهش بوده است. بر این اساس، گستره زمانی مطالعاتی که در این بخش معرفی خواهند شد از سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۲) به بعد می‌باشد.

۲.۱. پژوهش‌های مربوط به نظام آغازگر زبان فارسی

پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود به توصیف هر سه فرانش بینافردی، تجربی، و متنی زبان فارسی پرداخته است. وی در این رساله پس از معرفی دستور نقش‌گرای نظام‌مند، سه فرانش بینافردی، تجربی، و متنی زبان فارسی را توصیف نموده است. پهلوان‌نژاد در ارتباط با دستور متنی زبان فارسی به مباحثی از جمله 'ساخت مبتدایی (ساخت آغازگری-پایان-بخشی)'، رابطه دو نظام مبتدا (آغازگر) و وجه^۲، و مبتدای (آغازگر) چندگانه^۳ پرداخته است. در این جا، به ذکر این یافته بسنده می‌کنیم که به باور پهلوان‌نژاد، انتخاب مبتدای (آغازگر) بی- نشان^۴ در یک بند به وجه آن بند بستگی دارد (۱۶۳). برای مثال، وی مدعی شده است که در بندهای سؤالی استفهامی (پرسشی پرسش‌واژه‌ای)^۵، واژه پرسشی (پرسش‌واژه) مبتدای (آغازگر) بی‌نشان است و در غیر این صورت، مبتدا (آغازگر) از نوع نشان‌دار^۶ خواهد بود (۱۶۶-۱۶۷).

اعلایی (۱۳۸۸) در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) به بررسی نظام آغازگر زبان فارسی پرداخته است. بدین منظور، وی کلیه بندهای ۴۰ صفحه اول سه

۱. تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن در آخرین فصل از کتاب 'رده‌شناسی زبان: منظری نقش‌گرا' (language typology: a functional perspective)، ویراسته کافارل و دیگران (۲۰۰۴)، آمده است. شایسته ذکر است که فصل‌های دوم تا نهم این کتاب به توصیف نظام 'آغازگر' در کنار سایر نظام‌ها به ترتیب در زبان‌های فرانسوی، آلمانی، ژاپنی، تاگالوگ (Tagalog)، چینی، ویتنامی، تلگوگو (Telugu)، و پیچان‌چاچارا (Pitjantjatjara) اختصاص یافته‌اند.

2. MOOD

3. multiple Theme

4. unmarked Theme

5. Wh interrogative

6. marked

کتاب از مجموعه کتاب‌های انتشارات سمت را مورد بررسی قرار داده است. در این‌جا، تعدادی از نتایج به دست آمده از پژوهش اعلایی ذکر می‌شود: (۱) در دو کتاب «کلیات تربیت بدنی در مدارس» و «روانشناسی تفاوت‌های فردی»، بسامد آغازگر ساده^۱ بیش‌تر از بسامد آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) است اما در کتاب «مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره»، بسامد آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) بیش‌تر از بسامد آغازگر ساده است، (۲) در آغازگرهای مرکب (آغازگر چندگانه)، فراوانی آغازگر متنی^۲ بیش از آغازگر بینافردی^۳ است، (۳) در ارتباط با آغازگر ساده و مرکب (آغازگر چندگانه) و تلاقی آن دو با نظام نشان-داری^۴، پیوستاری وجود دارد که یک سوی آن آغازگر ساده بی‌نشان‌تر و سوی دیگر آن آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) نشان‌دارتر است.

فهمین‌نیا (۱۳۸۹) از منظر رویکرد هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) و در پیکره‌ای گردآوری‌شده از کتاب‌های فارسی دو پایه چهارم و پنجم و نیز انشای دانش‌آموزان دو پایه یادشده (مشمول بر ۴۶۸۰ بند ساده^۵ و مرکب^۶)، به توصیف و تحلیل سازه آغازگر در زبان فارسی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تقسیمات ارائه شده از آغازگر در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) بر زبان فارسی منطبق است. به بیانی روشن‌تر، سازه آغازگر در زبان فارسی نیز به انواع ساده/مرکب (چندگانه) و بی‌نشان/نشان‌دار تقسیم می‌شود و عناصر تشکیل دهنده آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه) در توالی‌های آغازگر متنی/بینافردی+آغازگر تجربی^۷ و آغازگر متنی+آغازگر بینافردی+آغازگر تجربی^۸ وقوع می‌یابند. از دیگر نتایج به دست آمده از این پژوهش، می‌توان به دو مورد زیر نیز اشاره کرد: (۱) آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) با توالی آغازگر متنی+آغازگر تجربی^۹ پربسامدترین نوع آغازگر مرکب (آغازگر چندگانه) در کل پیکره بوده است و (۲) در بندهای مرکب، آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه) نشان‌دار گرایشی غالب برای ظهور در بندهای پایه دارند تا در بندهای پیرو.

-
1. simple Theme
 2. textual Theme
 3. interpersonal Theme
 4. MARKEDNESS
 5. simple clauses
 6. clause complexes
 7. experiential Theme

خدری و ابراهیمی (۲۰۱۲)، به بررسی انواع آغازگرهای متنی، بینافردی، و چندگانه در متون علمی زبان انگلیسی و مقایسه آن آغازگرها با گونه ترجمه‌شده آن‌ها در زبان فارسی پرداخته‌اند. تعدادی از نتایج این پژوهش به شرح زیر است: (۱) در هر دو پیکره انگلیسی و فارسی، بسامد آغازگر متنی به مراتب بیشتر از بسامد آغازگر بینافردی است، (۲) تعداد آغازگرهای بینافردی در هر دو پیکره یکسان است، (۳) بسامد آغازگر چندگانه در متون فارسی بسیار بیشتر از بسامد آن در متون انگلیسی است، (۴) پربسامدترین نوع آغازگر چندگانه در هر دو پیکره انگلیسی و فارسی، 'متنی+موضوعی' بوده است.

رضاپور و سلطان‌احمدی (۱۳۹۳) در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) انواع آغازگر و توزیع آن‌ها را در کتاب‌های آموزش زبان فارسی در دو سطح متوسط و پیشرفته بررسی کرده‌اند. در این مطالعه، انواع آغازگر ساده، مرکب (چندگانه)، نشان‌دار، بی-نشان، متنی، و بینافردی شناسایی و بررسی شده‌اند. آمار به دست آمده از توزیع انواع آغازگرها نشان می‌دهد که بسامد هر یک از آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه)، بی‌نشان، و متنی به ترتیب بیشتر از بسامد آغازگرهای ساده، نشان‌دار، و بینافردی است. نکته قابل ذکر دیگر آن است که رضاپور و سلطان‌احمدی نیز همانند اعلائی (۱۳۸۸) ضمیر فاعلی محذوف را بی-نشان‌ترین آغازگر و فاعل پسافعلی^۲ را نشان‌دارترین آغازگر تلقی کرده‌اند (۲۳۱).

کاظمی (۱۳۹۳) در مقاله خود به بررسی ساخت آغازگری-پایان‌بخشی^۱ در متون علمی فارسی و مشخصاً متون کتاب‌های علمی-تخصصی در سه شاخه بیوشیمی، فیزیک، و آناتومی پرداخته است. بندهای موجود در این پیکره در پنج نوع متفاوت، یعنی ساده، مرکب هم‌پایه (هم‌عرض)^۳، مرکب ناهم‌پایه (ناهم‌عرض)^۴ (پایه-پیرو)، مرکب ناهم‌پایه (ناهم‌عرض) (پیرو-پایه)، و مرکب هم‌پایه (هم‌عرض)-ناهم‌پایه (ناهم‌عرض) (تلفیقی از بندهای مرکب هم‌پایه (هم‌عرض) و ناهم‌پایه (ناهم‌عرض))، از هم بازشناخته شده‌اند. در ارتباط با بسامد رخداد انواع مختلف بند، این نتیجه کلی به دست آمده است که در کتاب‌های سه شاخه یادشده در بالا، بندها عمدتاً از نوع مرکب‌اند نه ساده. در خصوص توصیف و تحلیل ساخت آغازگری-پایان-

1. topical
2. postverbal Subject
3. paratactic clause complexes
4. hypotactic clause complexes

بخشی، این نکته قابل ذکر است که کاظمی در پژوهش خود، تحلیلی 'لایه‌ای' از ساخت آغازگری-پایان‌بخشی به دست داده است. بر اساس این تحلیل، کاظمی مقوله 'آغازگر لایه‌ای'، یعنی آغازگرهای یک‌لایه‌ای، دو‌لایه‌ای، و سه‌لایه‌ای، را شناسایی و معرفی کرده است (۱۷۰). از دیگر نتایج این پژوهش، می‌توان به بسامد بالای رخداد آغازگرهای ساده در مقایسه با بسامد رخداد آغازگرهای مرکب (آغازگرهای چندگانه) اشاره کرد.

۲.۲. پژوهش‌های مربوط به نظام آغازگر زبان انگلیسی

هسلگارد^۱ (۲۰۰۴) به مقایسه انتخاب آغازگر در دو زبان انگلیسی و نروژی پرداخته است. بدین منظور، وی ۱۲۰۰ جفت جمله برگرفته از پیکره متناظر انگلیسی-نروژی^۲ را تحلیل کرده است. برخی از نتایج این پژوهش به شرح زیر است: در هر دو زبان یادشده، مشارک‌های کنش‌گر^۳ و حامل^۴ که نوعاً دارای نقش فاعل هستند اغلب به عنوان آغازگر موضوعی انتخاب می‌شوند. این آغازگر موضوعی به هنگام ترجمه، در ۸۵ تا ۹۰ درصد موارد تغییر نمی‌یابد. نکته قابل ذکر آن است که تغییر در آغازگر موضوعی به هنگام ترجمه اغلب در درون آغازگرهای چندگانه روی می‌دهد تا در درون آغازگرهای ساده. نتیجه‌ای که در خصوص آغازگرهای چندگانه به دست آمد آن است که در هر دو زبان انگلیسی و نروژی، رایج‌ترین نوع آغازگر چندگانه از توالی 'آغازگر متنی+آغازگر موضوعی' برخوردار است.

لیوید^۵ و دیگران (۲۰۱۰) در کتاب دو جلدی خود به توصیف دستور زبان اسپانیایی و مقایسه آن با دستور زبان انگلیسی پرداخته‌اند. آن‌ها هدف اول خود از این توصیف و مقایسه را کمک به مجموعه توصیفات اخیر از دستور بند زبان‌های مختلف از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند و گسترش حوزه رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند دانسته‌اند (۱). لیوید و دیگران به تفاوت‌ها و شباهت‌های قابل توجهی بین نظام آغازگر دو زبان اسپانیایی و انگلیسی دست یافته‌اند. در زیر، تنها یک نمونه از تفاوت‌ها و شباهت‌های یادشده را ذکر می‌کنیم. نویسندگان

1. Hasselgård
2. English-Norwegian Parallel Corpus
3. Actor
4. Carrier
5. Lavid

این کتاب، ساخت آغازگری-پایان‌بخشی را به دو بخش 'حوزه آغازگری' ۱ و 'حوزه پایان-بخشی' ۲ تقسیم کرده‌اند و در حوزه آغازگری، دو نقش 'هسته آغازگری' ۳ و 'پیش‌هسته' ۴ را از هم بازشناخته‌اند. آن‌ها تفاوت‌های اساسی در نظام آغازگر دو زبان انگلیسی و اسپانیایی را به انتخاب نقش‌های بینافردی و تجربی به عنوان هسته آغازگری و پیش‌هسته و انطباق بین این دو مرتبط دانسته‌اند (۳۵۷). برای مثال، در حالی که در زبان انگلیسی، فاعل تنها عنصر بینافردی است که می‌تواند به عنوان هسته آغازگری بی‌نشان عمل کند، در زبان اسپانیایی علاوه بر فاعل، عنصر بینافردی متمم^۵ هم می‌تواند در نقش هسته آغازگری بی‌نشان ظاهر شود (۳۵۹).

فقیه و بهمن (۲۰۱۰) با تکیه بر دو داستان کوتاه بسامد رخداد سه نوع آغازگر تجربی یا موضوعی، بینافردی، و متنی را در دو زبان انگلیسی و ترکی آذربایجانی مقایسه کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو پیکره یادشده از زبان انگلیسی و ترکی آذربایجانی، آغازگر تجربی یا موضوعی از بسامد رخداد بیش‌تری نسبت به دو آغازگر دیگر برخوردار است و آغازگر متنی هم دارای بسامد رخداد بیش‌تری نسبت به آغازگر بینافردی است. به باور نگارندگان این سطور، از آن‌جا که از یک سو هیچ بندی بدون آغازگر تجربی وجود ندارد و از سوی دیگر، هیچ یک از دو آغازگر متنی و بینافردی نمی‌تواند به تنهایی و بدون حضور آغازگر تجربی در یک بند به عنوان آغازگر آن بند عمل کند، نتیجه این پژوهش بهتر بود به این شکل بیان می‌شد که تعداد بندهایی که در هر دو پیکره انگلیسی و ترکی آذربایجانی با آغازگر تجربی شروع شده‌اند به مراتب بیش‌تر از تعداد بندهایی است که با هر یک از دو آغازگر متنی و بینافردی یا هر دو پیش از آغازگر تجربی شروع شده‌اند.

مطالعات بالا و سایر مطالعات بررسی شده توسط نگارندگان این سطور نشان می‌دهند که تا کنون هیچ پژوهشی در زمینه رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر زبان فارسی بر مبنای تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) صورت نگرفته است. از این رو، همان‌طور که در انتهای

1. thematic field
2. rhematic field
3. Thematic Head
4. Pre-Head
5. Complement

بخش ۱ ذکر شد، پژوهش حاضر می‌کوشد بر اساس تعمیم‌های یادشده به مطالعه رده‌شناختی نظام آغازگر در زبان فارسی و مقایسه آن با آن نظام در زبان انگلیسی بپردازد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع 'بنیادی نظری' و به لحاظ ماهیت و روش از نوع 'توصیفی محض' است. نمونه‌های فارسی در این پژوهش از اسناد متنوعی از جمله رمان، مقالات پژوهشگران، و کتاب‌های دستور به دست آمده‌اند. تعدادی از نمونه‌ها را هم خود این نگارندگان به دست داده‌اند. نمونه‌های انگلیسی هم غالباً از هلیدی (۲۰۰۵) و هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) گرفته شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این پژوهش نظام آغازگر را تنها در محدوده بند ساده توصیف کرده و از ورود به محدوده بندهای مرکب پرهیز کرده است.

۴. رده‌شناسی نظام آغازگر در دو زبان فارسی و انگلیسی

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، این پژوهش درصدد است تا نظام آغازگر زبان فارسی را در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) در خصوص آن نظام توصیف و آن را با نظام آغازگر زبان انگلیسی مقایسه نماید. پیش از شروع این توصیف و سنجش، شایسته است تعمیم‌های پیشنهادی متیسن در ارتباط با نظام آغازگر را ببینیم.

۴. ۱. تعمیم‌های متیسن در ارتباط با نظام آغازگر

پیش از پرداختن به تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن، نکته‌ای در خور ذکر است و آن این که نظام آغازگر خود زیرنظام‌هایی^۱ را شامل می‌شود. این زیرنظام‌ها در اگینز^۲ (۲۰۰۴: ۲۹۹) مشتمل بر 'نوع آغازگر'^۳ (آغازگر ساده و آغازگر چندگانه)، 'نشان‌داری آغازگر'^۴ (آغازگر بی-نشان و آغازگر نشان‌دار)، و 'محمول‌سازی آغازگر'^۵ (آغازگر محمول‌شده^۶ و آغازگر محمول-

1. subsystems

2. Eggins

3. TYPE OF THEME

4. THEME MARKEDNESS

5. THEME PREDICATION

6. predicated Theme

نشده^۱) هستند. هلیدی و متیسن (همان: ۱۰۶) هم، نظام آغازگر را به زیرنظام‌های گزینش آغازگر^۲، 'برجسته‌سازی آغازگر'^۳، 'کانونی‌سازی آغازگر'^۴، 'تکرار آغازگر'^۵، 'آغازگر بینافردی'^۶، و 'آغازگر متنی'^۷ تقسیم کرده‌اند.

متیسن (همان: ۶۴۵-۶۵۱) حیطه‌های زیر را به عنوان مؤلفه‌های اصلی گوناگونی رده-شناختی نظام آغازگر در میان زبان‌ها دانسته است:

۱. برخورد با آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار
۲. ارتباط بین نظام آغازگر و نظام اطلاع^۸
۳. ارتباط بین نظام آغازگر و نظام وجه
۴. ارتباط بین آغازگر تجربی (موضوعی) و آغازگر بینافردی و متنی
۵. ارتباط بین نظام آغازگر و نظام جهت^۹

در این‌جا، به منظور محدود کردن گستره این پژوهش، تنها سه مورد از حیطه‌های بالا را به عنوان مؤلفه‌های رده‌شناختی جهت توصیف نظام آغازگر زبان فارسی و سنجش آن با نظام آغازگر زبان انگلیسی برمی‌گزینیم:

(الف) برخورد با آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار (مرتبط با زیرنظام 'نشان‌داری آغازگر'): زبان‌ها با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار به یکی از دو شیوه کلی زیر رفتار می‌کنند:

- پیوستار آغازگرها: آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار در زبان‌هایی مثل انگلیسی، چینی، ویتنامی، و تایلندی بر روی پیوستاری از انتخاب‌های بی‌نشان و نشان‌دار قرار می‌گیرند. برای مثال، در زبان انگلیسی، آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار هر دو از طریق 'جایگاه آغازین' بند نمود می‌یابند. هنگامی که یک بند با آغازگر نشان‌دار شروع می‌شود آغازگر بی‌نشان به دنبال آن آغازگر نشان‌دار می‌آید.

1. not predicated Theme
2. THEME SELECTION
3. THEME HIGHLIGHTING
4. THEME FOCUSING
5. THEME REPRISE
6. INTERPERSONAL THEME
7. TEXTUAL THEME
8. INFORMATION
9. VOICE

• آغازگرهای بی‌نشان در برابر آغازگرهای نشان‌دار: زبان‌ها ممکن است از طریق اعطای جایگاه‌های مجزا به آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار و نیز قرار دادن آن‌ها در مرتبه‌های^۱ متفاوت در امتداد میزان مرتبه^۲، رفتاری متفاوت با آن دو داشته باشند. به عنوان مثال، در زبان تاگالوگ، آغازگرهای بی‌نشان دارای^۳ هسته^۴ واژگانی^۳ در پایان بند قرار می‌گیرند و اطلاع^۵ هستند در حالی که آغازگرهای نشان‌دار در آغاز بند قرار می‌گیرند و به دنبال آن‌ها^۶ ادات وارونگی^۵، یعنی «ay»، می‌آید. به باور گیون^۶ (۱۹۷۷: ۲۴۱؛ نقل شده در متیسن، همان: ۶۴۶)، چنین توزیع آغازگرهای موضوعی بی‌نشان و نشان‌دار مشخصه^۷ زبان‌های دارای توالی^۸ فعل-مفعول-فاعل (VOS) می‌باشد. در زبان‌های یادشده، آغازگرهای بی‌نشان در جهت راست بند اما آغازگرهای نشان‌دار در جهت چپ بند وقوع می‌یابند. بر این اساس، بین آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار تمایز دقیقی وجود دارد.

(ب) ارتباط بین نظام آغازگر و نظام وجه (مرتبط با زیرنظام^۹ گزینش آغازگر): با توجه به شیوه^{۱۰} انطباق بین نظام متنی آغازگر و نظام بینافردي^{۱۱} وجه، زبان‌ها را می‌توان در دو رده^{۱۲} کلی زیر جای داد:

• در زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، و روسی، ماهیت آغازگر^{۱۳} موضوعی بی-نشان با توجه به نوع وجه متغیر است. فاعل^{۱۴} در بند خبری^{۱۵}، زمان‌داری^{۱۶}+ فاعل^{۱۷} در بند پرسشی بلی/خیر (یا مذاکره‌نما^{۱۸}+ فاعل^{۱۹} در فرانسوی)، پرسش‌واژه^{۲۰} در بند پرسشی پرسش‌واژه‌ای، و^{۲۱} محمول^{۲۲} در بند امری، آغازگرهای موضوعی بی‌نشان

1. ranks
2. rank scale
3. lexical Head

شایسته ذکر است که در زبان تاگالوگ، آغازگرهای بی‌نشان ضمیری اطلاع کهنه (old) هستند و در هیئت واژه‌بست (clitic) به محمول (Predicator) یا ادات بینافردي (interpersonal particle) پیش از محمول می‌پیوندند (متیسن،

۲۰۰۴: ۶۴۶).

4. new information
5. inversion particle
6. Givón
7. declarative
8. Finite
9. Negotiator

هستند. شایان ذکر است که در زبان آلمانی، الگوی وجه- بنیاد آغازگر بی‌نشان در بند 'خبری' در مقایسه با همان الگو در انگلیسی یک گرایش ضعیف‌تر است، چرا که در آلمانی، به دنبال هر نوع آغازگر، حتی آغازگرهای متنی و بینافردی، بلافاصله زمان-داری وقوع می‌یابد. اما این اصل کلی که هویت آغازگر بی‌نشان به نوع وجه وابسته است هنوز به قوت خود باقی است.

- در مقابل، در زبان‌هایی مثل چینی، ژاپنی، کره‌ای، تاگالوگ، و تلوگو، هیچ همبستگی متناظری بین آغازگر بی‌نشان و نظام وجه وجود ندارد. از این رو، به نقش‌نماهای بندهای پرسشی بلی/خیر (از جمله ادات بینافردی «ma» در چینی و ادات بینافردی «ka» در ژاپنی) وضعیت آغازگری^۱ اعطا نمی‌شود. به عنوان نمونه، در زبان‌های چینی، ژاپنی، و ویتنامی (همانند زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی)، آغاز بند برخوردار از اهمیت (برجستگی) آغازگری است اما ادات‌های بینافردی در پایان بند وقوع می‌یابند و در زبان تلوگو هم، ادات بینافردی «a» به دنبال متمم می‌آید. در زبان‌های یادشده در آغاز این پاراگراف، به پرسش‌واژه هم وضعیت آغازگری اعطا نمی‌شود. پرسش‌واژه در این دسته از زبان‌ها در جایگاه اصلی خود در بند می‌ماند. شایان ذکر است که این رده از زبان‌ها را 'زبان‌های پرسش‌واژه در جای اصلی'^۲ می‌نامند. هم-چنین، محمول در بندهای امری زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی در جایگاه آغازگر، یعنی جایگاه آغازین بند، قرار دارد، اما در زبان‌های ژاپنی و تاگالوگ این چنین نیست.

(ج) ارتباط بین آغازگرهای تجربی، بینافردی، و متنی (مرتبط با زیرنظام‌های 'نوع آغازگر'، 'آغازگر بینافردی'، و 'آغازگر متنی'): یکی دیگر از تعمیم‌های رده‌شناختی مرتبط با نظام آغازگر، به میزان حضور انواع سه‌گانه آغازگر در نظام آغازگر زبان‌ها و شیوه برخورد زبان‌ها با آن‌ها مربوط می‌شود. بر این اساس، زبان‌ها به سه رده کلی زیر تقسیم می‌شوند:

- وجود آغازگر چندگانه و برخوردار یکسان با عناصر آن: زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی، ویتنامی، و پیچان‌چاچارا بالقوه برخوردار از آغازگرهای چندگانه هستند. این

1. thematic status
2. Wh-in-situ languages

آغازگرها نوعاً با ترتیب 'آغازگرهای متنی - آغازگرهای بینافردی-آغازگرهای تجربی' در جایگاه برجسته آغازین بند نمود می‌یابند.

- وجود آغازگر چندگانه و برخوردی متفاوت با عناصر آن: در زبان‌هایی مثل ژاپنی و تاگالوگ هم، آغازگرهای چندگانه وجود دارد، اما در هر دوی آن‌ها، آغازگرهای موضوعی (تجربی) به کمک ادات خاصی («ang» در تاگالوگ، «wa» و ادات دیگر در ژاپنی) از آغازگرهای متنی و بینافردی که تنها از طریق توالی (جایگاه آغازین بند) نمود می‌یابند متمایز می‌شوند. در زبان تاگالوگ که به لحاظ توالی سازه‌ها متعلق به ردهٔ زبانی 'فعل-مفعول-فاعل (VOS)' است، جایگاه آغازین بند از اهمیت بینافردی خاصی برخوردار است؛ در حالی که در زبان ژاپنی که توالی سازه‌ها در آن به صورت 'فاعل-مفعول-فعل (SOV)' است، جایگاه پایانی بند به لحاظ بینافردی اهمیت دارد. هم‌چنین در زبان تاگالوگ، در حالی که آغازگرهای موضوعی بی‌نشان در پایان بند وقوع می‌یابند (که این خود تبیین‌گر رده‌بندی تاگالوگ در ردهٔ زبانی VOS است)، آغازگرهای موضوعی نشان‌دار در آغاز بند پیش از ادات وارونگی «ay» ظاهر می‌شوند و آغازگرهای موضوعی ضمیری هم، برای پیوند خوردن با آغازگرهای بینافردی به سمت آغاز بند کشیده می‌شوند.

- عدم وجود آغازگر چندگانه: برخلاف زبان‌های یادشده در دو ردهٔ پیشین، زبان‌های خاصی مثل آلمانی و دانمارکی به نظر می‌رسد که فاقد آغازگرهای چندگانه هستند. در این زبان‌ها، در حالی که آغازگر ممکن است متنی، بینافردی، و یا تجربی باشد، اما در یک بند، می‌توان رخداد تنها یکی از انواع سه‌گانهٔ آغازگر را انتظار داشت. به بیانی دیگر، در حالی که آغازگر در بسیاری از زبان‌ها از جمله انگلیسی، فرانسوی، ویتنامی، چینی، و ژاپنی تا مرز اولین عنصر تجربی بند خبری پیش می‌رود و آن را نیز دربر می‌گیرد، آن در زبان‌های آلمانی و دانمارکی تنها تا مرز زمان‌داری پیش می‌رود.

اکنون که با تعمیم‌های پیشنهادی متیسن در ارتباط با سه زیرنظام 'نشان‌داری آغازگر'، 'گزینش آغازگر'، و 'نوع آغازگر' آشنا شدیم، در بخش بعد تلاش خواهیم کرد رفتارهای رده-شناختی سه زیرنظام یادشده در زبان فارسی را بررسی کنیم و آن‌ها را با هم‌تاهای خود در زبان انگلیسی بسنجیم.

۴.۲. نظام آغازگر زبان فارسی و سنجش آن با نظام آغازگر زبان انگلیسی

در این بخش، تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که نظام آغازگر و مشخصاً سه زیرنظام 'نشان‌داری آغازگر'، 'گزینش آغازگر'، و 'نوع آغازگر' در زبان فارسی با توجه به تعمیم‌های متیسن چه رفتارهای رده‌شناختی‌ای از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در رفتارهای رده‌شناختی سه زیرنظام یادشده در بالا در دو زبان فارسی و انگلیسی هم بررسی خواهد شد.

۴.۲.۱. ساخت آغازگری-پایان‌بخشی

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، نظام آغازگر به کمک 'ساخت آغازگری-پایان‌بخشی' نمود می‌یابد و بند را در هیئت یک 'پیام' بازنمائی می‌کند. یک بند به مثابه یک 'ساخت پیام' هم، از یک سازه آغازگر به اضافه یک سازه پایان‌بخش تشکیل می‌یابد. گفتنی است که این ساخت پیام از طریق 'توالی' آغازگر و پایان‌بخش در یک بند بازنمائی می‌شود، بدین شکل که آغازگر در جایگاه آغازین بند قرار می‌گیرد و به عنوان نقطه عزیمت پیام عمل می‌کند و آنچه باقی می‌ماند پایان‌بخش است. شایان ذکر است که 'سازه آغازگر' در زبان‌های مختلف ممکن است به شیوه‌های متفاوتی نمود یابد. این سازه ممکن است از طریق 'فقط توالی' (جایگاه آغازین بند در زبان‌هایی مثل انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، و چینی)، 'توالی+ادات واحد زبانی' (ادات «a»، «mi»، و «ma» در چینی و ادات «thi» در ویتنامی)، 'ادات واحد زبانی و (یا) توالی' (جایگاه آغازین بند و پس‌اضافه‌هایی^۲ مثل «wa» و «mo» در ژاپنی)، و 'ادات واحد زبانی (+ توالی)' (ادات «ang» در زبان تاگالوگ) نمود یابد (متیسن، همان: ۶۴۳-۶۴۵).

در ساخت آغازگری-پایان‌بخشی زبان فارسی همانند ساخت آغازگری-پایان‌بخشی زبان انگلیسی، سازه آغازگر در جایگاه آغازین بند قرار می‌گیرد و از طریق 'توالی' نمود می‌یابد. به بیانی دیگر، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، هر عنصر تجربی‌ای که به عنوان آغازگر بند انتخاب می‌شود بدون 'آغازگر نما'^۳ ظاهر می‌شود و تنها نشانه آغازگر بودگی^۴ آن، جایگاه

1. message structure
2. postpositions
3. Theme marker
4. thematicity

آغازین بند است. جدول (۱) در زیر ساخت آغازگری-پایان بخشی دو زبان فارسی و انگلیسی را نمایش می دهد:

جدول ۱- ساخت آغازگری-پایان بخشی دو زبان فارسی و انگلیسی

من		فقط به شرح یکی از این پیش آمدها می پردازم. (هدایت، ۱۳۸۳: ۹)
در زندگی		زخم هایی هست. (هدایت، همانجا)
آغازگر		پایان بخش
John	Saw the play yesterday.	'جان نمایش را دیروز دید.' (هلیدی، ۲۰۰۵: ۷۱)
yesterday	John saw the play.	'دیروز جان نمایش را دید.' (هلیدی، همانجا)
آغازگر	پایان بخش	

همان طور که نمونه های جدول بالا نشان می دهند، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، سازه آغازگر در جایگاه آغازین بند و بدون نقش نما ظاهر می شود. با این حال باید توجه داشت که بر این اصل بنیادی آغازگر سازی^۱ در دو زبان فارسی، به ویژه در گونه گفتاری آن، و انگلیسی استثنائی وارد است و آن این که در این دو زبان، می توان هر مشارکی^۲ را پس از درج ضمیری هم مرجع^۳ در جایگاه اصلی آن مشارک در بند به جایگاه آغازین آن بند منتقل کرد تا به عنوان آغازگر بند عمل کند. گفتنی است که چنین سازه آغازگر که 'آغازگر محض'^۴ نام دارد و از نوع آغازگرهای نشان دار است در فارسی به همراه پس اضافه^۵ «را» و در انگلیسی به همراه پیش-

1. thematization
2. participant
3. coreferential
4. absolute Theme

آغازگر محض آغازگری است که در ساخت گذرائی (transitivity structure) بند نقشی ندارد. به بیانی مشخص تر، آن فاقد نقش تجربی یا بینافرادی است و نقش آن صرفاً متنی می باشد، یعنی نقش آن معرفتی مشارکی است که در بند بازنمایی می یابد (کافارل، ۲۰۰۴: ۸۰).

۵. به استثنای مواردی که در آن ها 'آغازگر محض' از درون گروه اسمی فاعل در جایگاه آغازین بند خارج شده باشد. برای مثال، در نمونه زیر، از آن جا که عنصر «همسایه» از درون گروه اسمی فاعل، یعنی «مهمون همسایه»، خارج شده است و در جایگاه آغازین بند به عنوان آغازگر محض عمل می کند، آن بدون پس اضافه^۵ «را» ظاهر شده است:

(الف) همسایه، مهمونش آمد. (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۲۷)

اضافه‌هایی^۱ مثل «as for ، as to» و «regarding» ظاهر می‌شود. هم‌چنین، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، پس از آغازگر محض از ویرگول (،) که نشانه مکث است، استفاده می‌شود. در دو نمونه (۱) و (۲) در زیر، هر دو عنصر «مهمون همسایه» و «that teapot» آن قوری^۲ پس از درج ضمیری هم‌مرجع، یعنی به ترتیب «-ش» و «it»، در جایگاه اصلی خود در بند به همراه آغازگرهای خود، یعنی به ترتیب «ر» و «As to»، در جایگاه آغازین بند قرار گرفته‌اند و به عنوان آغازگر محض عمل می‌کنند. به بیانی فنی‌تر، هر دو عنصر «مهمون همسایه» و «that teapot» با عملکرد فرایند^۳ مبتداساز ضمیرگذار^۴ در جایگاه آغازین بند قرار گرفته‌اند تا به عنوان آغازگر بند عمل کنند:

(۱) مهمون همسایه ر، (من) بهش خندیدم.^۳

(2) As to that teapot, my aunt was given it by the duke.

(هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۹۱)

در ارتباط با آغازگر محض، سه نکته دیگر در خور ذکر است:

(الف) در زبان انگلیسی، آغازگر محض می‌تواند بدون نقش‌نمای خود نیز ظاهر شود. به بیانی روشن‌تر، این امکان وجود دارد که مشارکی که پس از درج ضمیری هم‌مرجع در جایگاه اصلی آن به جایگاه آغازین بند منتقل می‌شود، بدون آغازگر نما نمود یابد. بند زیر که از هلیدی و متیسن (همانجا) نقل می‌شود، شاهدی بر این ادعا است:

(3) That teapot, my aunt was given it by the duke.

اما در زبان فارسی، آغازگر محض، به استثنای آغازگر محض فاعلی^۵، نمی‌تواند بدون نقش‌نمای خود، یعنی «را» (و دیگر گونه‌های گفتاری آن)، ظاهر شود.

1. prepositions

2. left dislocation

۳. لازم به ذکر است که نگارندگان این سطور نمونه (۱) را با انجام تغییراتی در نمونه (۸۷ب) در مقاله^۶ پیرامون «را» در زبان فارسی^۷، نوشته دبیرمقدم (همان: ۱۲۷)، به دست داده‌اند. به بیانی مشخص‌تر، آغازگر نمونه (۱) در منبع اصلی در درون سازه پایانبخش قرار دارد.

۴. یعنی آغازگر محضی که از درون گروه اسمی فاعل به جایگاه آغازین بند منتقل شده است.

(ب) در زبان انگلیسی، آغازگر محض ممکن است بدون ضمیر هم‌مرجع خود نیز ظاهر شود. در چنین شرایطی، درک ارتباط بین آغازگر محض و ضمیر هم‌مرجع محذوف آن به عهده شنونده واگذار می‌شود. نمونه (۴) که باز از هلیدی و متیسن (همانجا) نقل می‌شود شاهدهی بر این مدعا است:

(4) As for the other players, I've got no apprehensions.

ولی در زبان فارسی، آغازگر محض نمی‌تواند بدون ضمیر هم‌مرجع خود ظاهر شود. (ج) در زبان انگلیسی، آغازگر محض ممکن است در جایگاه پایانی بند قرار گیرد. به بیانی مشخص‌تر، مشارک آغازگر را می‌توان پس از درج ضمیری هم‌مرجع در جایگاه اصلی آن، یعنی جایگاه آغازین بند، به جایگاه پایانی بند منتقل کرد. در چنین شرایطی، 'آغازگر پسایند'، یعنی آغازگر منتقل شده به پایان بند، به عنوان 'آغازگر محض تکراری'^۲ و ضمیر هم‌مرجع آن در آغاز بند به عنوان 'آغازگر غیرمحض'^۳ بند عمل می‌کنند. شایسته ذکر است که آغازگر محض تکراری در جایگاه پایانی یک بند آغازگر آغازین، یعنی آغازگر اصلی، آن بند را تقویت می‌کند (رک. کافارل، ۲۰۰۴: ۱۲۰). نمونه (۵) که از هلیدی و متیسن (همان: ۱۲۴) نقل می‌شود وقوع دو آغازگر، یعنی «They» 'آنها' به عنوان آغازگر غیرمحض و «these instructions» 'این دستورالعمل‌ها' به عنوان آغازگر محض تکراری، در یک بند انگلیسی را نشان می‌دهد:

(5) They don't make sense, these instructions.

در بند (۵)، عنصر «these instructions» با عملکرد فرایند پسایندسازی^۴ به جایگاه پایانی بند حرکت کرده ولی ضمیری هم‌مرجع با خود، یعنی «They»، را در جایگاه آغازین بند قرار داده است. از این رو، عنصر «these instructions» هم همانند عنصر «that teapot» در دو بند (۲) و (۳) در بالا خارج از ساخت گذرائی بند، نقش آفرینی می‌کند. از آن‌جا که عنصر «these instructions» در جایگاه پایانی بند (۵) آغازگر اصلی آن بند، یعنی «They»، را

1. postposed Theme
2. reprise absolute Theme
3. non-absolute Themes

۴. شایان ذکر است که هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) هیچ یک از اصطلاحات 'آغازگر محض'، 'آغازگر محض تکراری'، و 'آغازگر غیرمحض' را به کار نبرده‌اند.

5. postposing

تقویت می‌کند، آن دارای نقش 'آغازگر محض تکراری' یا به تعبیر هلیدی و متیسن (همانجا) 'پس‌اندیشه' است. لازم به ذکر است که 'پس‌اندیشه' ممکن است تکرار عنصری غیر از آغازگر باشد. برای مثال، در نمونه (۶) که باز از هلیدی و متیسن (همانجا) نقل می‌شود، پس-اندیشه، یعنی «your Chinese painting»، تکرار عنصر «it» در درون سازه پایانبخش است.

(6) Shall I hang it above the door, your Chinese painting?

نمونه (۶) نشان می‌دهد که پس‌اندیشه الزاماً با آغازگر محض تکراری برابر نیست. از این رو، 'پس‌اندیشه' تنها زمانی که تکرار عنصر آغازگر بند باشد با آغازگر محض تکراری همسان است. نکته دیگر آن که همان‌طور که نمونه‌های (۵) و (۶) نشان می‌دهند، پس‌اندیشه پس از یرگول و بدون نقش‌نما ظاهر می‌شود.

همان‌طور که نمونه‌های (۷) و (۸) از زبان فارسی نشان می‌دهند، در زبان فارسی برخلاف زبان انگلیسی، مشارک پس‌اندیشه نمی‌تواند به تنهایی ظاهر شود، بلکه باید در درون یک بند قرار گیرد. به بیانی روشن‌تر، در نمونه‌های زیر، گروه‌های اسمی «بچه‌ها» و «ماشین قرمز» که به ترتیب با دو ضمیر «اون» و «اون» در جایگاه آغازگر بند هم‌مرجع هستند با یکی از دو الگوی (الف) '_____ رُ / می‌گم' و (ب) 'منظورم _____ ست' به عنوان مشارک‌های پس-اندیشه عمل می‌کنند.

(۷) الف. اونا فردا به مدرسه نخواهند اومد، بچه‌ها رُ می‌گم.

ب. اونا فردا به مدرسه نخواهند اومد، منظورم بچه‌هاس.

(۸) الف. اون یکی گرون‌تره، ماشین قرمزُ می‌گم.

ب. اون یکی گرون‌تره، منظورم ماشین قرمزِه.

1. Afterthought

۲. گفتنی است که در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی (رک. نمونه (۶))، مشارک پس‌اندیشه می‌تواند با عنصری در سازه پایانبخش بند هم‌مرجع باشد. در نمونه زیر، ضمیر «شون» در سازه پایانبخش بند جایگزین گروه اسمی «والدین بچه‌ها» شده است. گروه اسمی یاد شده هم، به جایگاه پس از فعل پایانی منتقل شده است و از این رو، به عنوان مشارک پس‌اندیشه عمل می‌کند:

(الف) من به همشون اطلاع داده‌ام، والدین بچه‌ها رُ می‌گم / منظورم والدین بچه‌هاس.

۴. ۲. ۲. آغازگر، وجه، و نشان‌داری

در این بخش، به بررسی دو زیرنظام 'گزینش آغازگر' و 'نشان‌داری آغازگر' به صورت یک‌جا می‌پردازیم. در واقع، تلاش می‌کنیم به این پرسش اساسی پاسخ بدهیم که در هر یک از انواع مختلف بند به لحاظ وجه در زبان فارسی، چه عنصری به طور معمول به عنوان آغازگر انتخاب می‌شود و از سوی دیگر، رفتارهای رده‌شناختی دو زیرنظام یادشده در بالا در دو زبان فارسی و انگلیسی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند.

۴. ۲. ۲. ۱. آغازگر در بندهای خبری

در بندهای خبری زبان فارسی، الگوی معمول آن است که آغازگر با فاعل هم‌پوشی کامل داشته باشد (اعلایی، ۱۳۸۸: ۹۶ و ۱۰۳؛ فهیم‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۷؛ رضاپور و سلطان احمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۷). برای مثال، در بندهای زیر، عناصر «من» و «خانم زهرا و یوسف خان» هم فاعل و هم آغازگر هستند:

(۹) من فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم. (هدایت، ۱۳۸۳: ۹)

(۱۰) خانم زهرا و یوسف خان هم نان را از نزدیک دیدند. (دانشور، ۱۳۴۹: ۱).

در مواردی از قبیل نمونه‌های بالا که در آن‌ها آغازگر بند با فاعل هم‌پوشی کامل دارد، آغازگر از نوع بی‌نشان است. همچنین، در بندهای خبری دارای 'فاعل محذوف'، آغازگر بند با فاعل محذوف هم‌پوشی دارد. گفتنی است که منظور از فاعل محذوف، 'ضمیر فاعلی غیرمؤکد' است که در زبان فارسی، به صورت پربسامد و بی‌نشان حذف می‌شود، چرا که از طریق شناسه فعل قابل شناسایی است.^۱ از این رو، فاعل محذوف هم همانند فاعل آشکار آغازگر بی‌نشان می‌باشد (اعلایی، همان: ۱۰۰ و ۱۰۳؛ فهیم‌نیا، همان: ۴۸؛ رضاپور و سلطان احمدی، همان: ۲۲۷-۲۲۹ و ۲۳۱). مثال‌های زیر بندهای خبری دارای فاعل محذوف را نشان می‌دهند:

۱. زبان فارسی زبانی 'ضمیرانداز' (pro-drop) است. با این حال، باید توجه داشت که در این زبان، مواردی وجود دارد که در آن‌ها، نمی‌توان ضمیر فاعلی را حذف کرد. از جمله آن موارد می‌توان به وقوع ضمیر فاعلی به همراه یک عنصر وابسته اشاره کرد (رک. حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). برای مثال، در نمونه زیر، ضمیر فاعلی، یعنی «من»، با یک وابسته، یعنی «بیچاره»، همراه شده است و از این رو، نتوانسته است حذف شود:
(الف) من بیچاره باید به تنهایی این همه کار را انجام دهم. (حق‌شناس و همکاران، همانجا)

(۱۱) Ø حالا فهمیدم. (دانشور، همان: ۴۴).

(۱۲) به خصوص اگر Ø بخواهید آن‌ها را موزون و زیبا هم بگویید. (فهم‌نیا، همان:

(۵۱)

در هر دو نمونه بالا، ضمائر فاعلی غیرمؤکد حذف شده‌اند. با این حال، هر یک از آن ضمائر محذوف آغازگر بی‌نشان بند خود می‌باشد.

همان‌طور که در بالا نیز گفته شد، در بندهای خبری، آغازگرهایی که با نقش بینافردی فاعل (خواه آشکار و خواه محذوف) هم‌پوشی دارند ذیل مقولهٔ 'آغازگر بی‌نشان' قرار دارند. در مقابل، اگر آغازگر یک بند خبری عنصری غیر از فاعل باشد، نشان‌دار خواهد بود. در دو بند زیر، عناصر «امشب» و «کتاب را» که به ترتیب دارای نقش 'افزوده' ۱ و 'متمم' هستند، آغازگرهایی نشان‌دار می‌باشند. گفتنی است که آغازگرهای نشان‌دار یادشده بدون هیچ آغازگرنمایی در جایگاه آغازین بند و پیش از آغازگرهای بی‌نشان، یعنی فاعل، قرار گرفته‌اند:

(۱۳) امشب آواز توسط بانو پروانه خوانده می‌شود. (تکرار نمونه (۱۶))

(۱۴) کتاب را آریا به نازنین داد. (تکرار نمونه (۳۶۵))

برخلاف آغازگرهای نشان‌دار در دو نمونه (۱۳) و (۱۴) که هر دو دارای نقش تجربی/بینافردی هستند، همان‌طور که در بخش ۳-۱ در بالا گفته شد، در زبان فارسی، به ویژه در گونهٔ گفتاری این زبان، آغازگرهای نشان‌داری را می‌توان یافت که فاقد نقش تجربی/بینافردی در بند خود هستند. نمونه‌های زیر شواهد دیگری بر این مدعا هستند:^۲

(۱۵) همسایه رُ، (من) مهمونشُ دیدم.

(۱۶) مهمون همسایه رُ، (من) ازش شکایت کردم.

در هر یک از دو بند (۱۵) و (۱۶)، در پی آغازگرسازی یک سازه، ضمیری هم‌مرجع با آن سازه در جایگاه اصلی آن قرار گرفته است. در چنین شرایطی، ضمیر هم‌مرجع با سازه

1. Adjunct

۲. لازم به ذکر است که دو نمونه (۱۵) و (۱۶) نیز همانند نمونه (۱) در بخش ۳-۱ با اعمال تغییراتی در نمونه‌های (۸۶) و (۸۸) در مقالهٔ 'پیرامون «را» در زبان فارسی'، نوشتهٔ دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۲۷)، به دست داده شده‌اند. به بیانی مشخص‌تر، آغازگرهای دو نمونه (۱۵) و (۱۶) در منبع اصلی در درون سازهٔ پایان‌بخش قرار دارند.

آغازگر شده^۱ نقش تجربی/بینافردی پیشین آغازگر را دریافت می‌کند^۲ و به این ترتیب، سازه آغازگر شده خود فاقد نقش تجربی/بینافردی می‌شود. شایسته یادآوری است که چنین آغازگرهای نشان‌دار فقط دارای نقش متنی هستند. به بیانی روشن‌تر، آن‌ها مشارکی از بند را معرفی می‌کنند و آن را در کانون توجه شنونده قرار می‌دهند. بر این اساس، می‌توان سازه‌های آغازگر در بندهای (۱۵) و (۱۶) را نمونه‌های دیگری از 'آغازگر محض' در زبان فارسی دانست. شایان توجه است که در دو بند (۱۵) و (۱۶) نیز، آغازگرهای محض به همراه آغازگر نما، یعنی پس‌اضافه 'ر' (صورت گفتاری «را»)، ظاهر شده‌اند. نکته پایانی آن است که آنچه در این پژوهش تحت عنوان 'آغازگر محض' در زبان فارسی مطرح است در مقاله 'پیرامون 'را' در زبان فارسی'، نوشته دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۹)، با نام 'مبتدای ثانویه'^۳ آمده است. البته باید توجه داشت که مفهوم آغازگر محض که ذیل مقوله 'آغازگر نشان‌دار' قرار دارد با مفهوم 'مبتدای ثانویه نشان‌دار' منطبق است. گفتنی است که مبتدای ثانویه در حالت بی‌نشان به سازه پایان‌بخش بند تعلق دارد (رک. دبیرمقدم، همان: ۱۲۹ (پانویس ۱)). دو نمونه زیر که از دبیرمقدم (همان: ۱۲۷) نقل می‌شود شواهدی بر این مدعا هستند:

(۱۷) (من) همسایه ر، مهمونش دیدم.

(۱۸) (من) همسایه ر، به مهمونش خندیدم.

در هر دو بند بالا، مبتدای ثانویه به همراه پس‌اضافه 'ر' و در حالت بی‌نشان در درون سازه پایان‌بخش قرار گرفته است. شایان توجه است که سازه آغازگر در هر دو بند (۱۷) و (۱۸) بی‌نشان است، چرا که با فاعل محذوف، یعنی «من»، هم‌پوشی دارد.

در جمع‌بندی مطالب این بخش، می‌توان گفت که در یک بند خبری، اگر آغازگر با فاعل آشکار یا محذوف هم‌پوشی داشته باشد، 'بی‌نشان' و در غیر این صورت، 'نشان‌دار' خواهد بود. آغازگرهای نشان‌دار هم، ذیل دو دسته قرار می‌گیرند: (الف) 'آغازگرهای غیرمحض' که برآیند عملکرد فرایند 'آغازگر ساز ضمیرناگذار' (به قیاس با فرایند 'مبتداساز ضمیرناگذار')^۴ و

1. thematized

۲. ضمیر «ش» در نمونه (۱۵) دارای نقش 'اشاری' (Deictic) (در درون گروه اسمی) ولی در نمونه (۱۶) برخوردار از نقش 'متمم پیش‌اضافه‌ای' (prepositional Complement) (در درون عبارت پیش‌اضافه‌ای) است.

3. secondary topic/theme

4. topicalization

برخوردار از نقش تجربی/بینافردی هستند و (ب) آغازگرهای محض که برآیند عملکرد فرایند آغازگرساز ضمیرگذار^۱ (به قیاس با فرایند مبتداساز ضمیرگذار^۲) و فاقد نقش تجربی/بینافردی می‌باشند.

۴.۲.۲.۴. آغازگر در بندهای پرسشی

در زبان فارسی، بندهای پرسشی به دو نوع 'قطبی' (بلی/خیر)^۱ و 'پرسش‌واژه‌ای' تقسیم می‌شوند. در بندهای پرسشی قطبی که با ادات‌های بینافردی «آیا» و «مگر» یا گونه گفتاری آن، یعنی «مگه»، شروع می‌شوند، اگر آغازگر ترکیبی از ادات یادشده و فاعل (آشکار یا محذوف) باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. بر این اساس، آغازگر چندگانه در بند (۱۹)، یعنی «مگه این»، بی‌نشان ولی در نمونه (۲۰)، یعنی «آیا روزی»، نشان‌دار است:

(۱۹) مگه این گربه تونه؟ (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۱)

(۲۰) آیا روزی به اسرار این اتفاقات ماوراءطبیعی، این انعکاس سایه روح که در حالت اغماء و برزخ بین خواب و بیداری جلوه می‌کند کسی پی خواهد برد؟ (هدایت، همانجا)

در بندهای پرسشی قطبی فاقد ادات پرسشی که تنها با تغییر آهنگ از بندهای خبری متمایز می‌شوند، اگر آغازگر با فاعل آشکار یا محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. در نمونه (۲۱)، آغازگر، یعنی «تو»، با فاعل هم‌پوشی دارد و از این رو، بی‌نشان است. اما در نمونه (۲۲)، سازه آغازگر، یعنی «این بچه ر»، دارای نقش بینافردی متمم می‌باشد و بر این اساس، نشان‌دار است.

(۲۱) تو برای همین حرف‌ها بیرونش کردی، هان؟ (گلشیری، ۱۳۶۸: ۱۷)

(۲۲) این بچه ر تو زده‌ای؟

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، می‌توان ادعا کرد که هر دو نوع بند خبری و پرسشی قطبی فاقد ادات پرسشی از الگوی آغازگرسازی یکسانی پیروی می‌کنند. به بیانی روشن‌تر، در هر دو نوع بند یادشده، اگر آغازگر با فاعل آشکار یا محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود.

در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای، هر عنصری از بند که گوینده به دنبال یافتن هویت آن است در جایگاه بی‌نشان 'خبری' خود قرار می‌گیرد، چرا که زبان فارسی جزو زبان‌های 'پرسش‌واژه در جای اصلی' هستند. به بیانی دیگر، در پرسشی‌های پرسش‌واژه‌ای، پرسش-واژه‌ها بسته به نقش تجربی/بینافردی‌شان در جایگاه معمول خبری خود وقوع می‌یابند. از این رو، پرسش‌واژه‌های فاعلی در جایگاه آغازین و پرسش‌واژه‌های غیرفاعلی در جایگاه غیرآغازین بند قرار می‌گیرند. در نمونه‌های زیر، پرسش‌واژه‌ها که با رنگ سیاه نشان داده شده‌اند به ترتیب 'فاعلی، متممی، و افزوده‌ای' هستند:

(۲۳) کی حرفا رُ به تو یاد داده؟

(۲۴) بیژن پولو به کی داد؟ (تکرار نمونه (۳۸۹))

(۲۵) تو چرا از این جا نمیری؟

همان‌طور که نمونه‌های بالا نشان می‌دهند، پرسش‌واژه‌ها بر اساس نقش تجربی/بینافردی‌شان در جایگاه بی‌نشان خبری خود وقوع یافته‌اند. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان ادعا کرد که در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای نیز همانند پرسشی‌های قطبی فاقد ادات پرسشی، اگر آغازگر با فاعل (خواه در هیئت یک پرسش‌واژه و خواه به شکل یک عنصر غیرپرسش‌واژه (چه آشکار و چه محذوف)) هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان (رک. نمونه‌های (۲۳) تا (۲۵)) و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. دو بند (۲۶) و (۲۷) نمونه‌هایی از رخداد آغازگر نشان‌دار در بندهای پرسشی پرسش‌واژه‌ای را نشان می‌دهد. شایان توجه است که در نمونه‌های یادشده، سازه‌های آغازگر، یعنی «اتاق‌ها را» و «چرا»، به ترتیب 'متممی' و 'افزوده‌ای' هستند و از این رو، نشان‌دار می‌باشند:

(۲۶) اتاق‌ها را کی جارو می‌کنه؟ (گلشیری، همان: ۲۸)

(۲۷) چرا تو به حرف معلمات گوش نمی‌دی؟

۴. ۲. ۳. آغازگر در بندهای تعجبی

در دو زیربخش پیشین، به بررسی الگوی آغازگرسازی در بندهای خبری و پرسشی (قطبی و پرسش‌واژه‌ای) پرداختیم. در این جا، صورت‌های بی‌نشان و نشان‌دار سازه آغازگر در بندهای 'تعجبی' را بررسی می‌کنیم. از آن‌جا که بندهای تعجبی در زبان فارسی به یکی از دو شکل 'خبری' و 'پرسش-

واژه‌ای 'نمود می‌یابند'، می‌توان مدعی شد که بندهای تعجبی خبری و پرسش‌واژه‌ای به ترتیب از الگوی آغازگرسازی بندهای خبری و پرسشی پرسش‌واژه‌ای پیروی می‌کنند. به بیانی روشن‌تر، در هر دو نوع بندهای تعجبی خبری و پرسش‌واژه‌ای، اگر آغازگر با فاعل (آشکار یا محذوف) هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. در بندهای (۲۸) تا (۳۰)، سازه‌های آغازگر، یعنی به ترتیب «چه گل‌های زیبایی»، «مامان، حاج خانم»، و «Ø»، جملگی با فاعل هم‌پوشی دارند و از این رو، بی‌نشان هستند:

(۲۸) چه گل‌های زیبایی این‌جا رویده!

(۲۹) مامان، حاج خانم چقدر پول داره، قد یه بانک! (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰)

(۳۰) Ø چه زیبا آلمانی حرف می‌زنی! (تاج‌آبادی و دیگران، همانجا)

برخلاف نمونه‌های بالا، در بندهای (۳۱) تا (۳۳)، سازه‌های آغازگر، یعنی «عجب آدمی»، «دیشب» و «این‌جا»، جملگی عناصر غیرفاعلی هستند و از این رو، نشان‌دار می‌باشند:

(۳۱) عجب آدمیه این رفیقت!

(۳۲) دیشب چقدر بارون بارید!

(۳۳) این‌جا چقدر گل هست!

۴.۲.۲.۴. آغازگر در بندهای امری

پیام اصلی یک بند امری آن است که گوینده از مخاطبش به تنهایی یا مخاطب به اضافه خودش می‌خواهد کاری را انجام دهد/دهند (هلیدی و متیسن، همان: ۱۰۳). شایان ذکر است که بندهای امری در زبان فارسی به لحاظ 'توالی عناصر' شبیه بندهای خبری و مشخصاً بندهای خبری دارای ضمیر فاعلی محذوف هستند. اما باید توجه داشت که دو بند خبری و امری در فارسی در 'صرف فعل' با هم متفاوت هستند. به بیانی روشن‌تر، در بندهای امری برخلاف بندهای خبری، فعل در هیئت ترکیب پیش‌وند^۲ «بِ/بُ» با ستاک^۳ فعل ظاهر می‌شود. بندهای زیر نمونه‌هایی از بندهای امری در زبان فارسی هستند:

۱. در تعجبی خبری، گوینده با استفاده از بند خبری تعجب خود را بیان می‌کند و در تعجبی پرسش‌واژه‌ای، گوینده با استفاده از پرسش‌واژه‌های «چه» و «چقدر» تعجب خود را نشان می‌دهد (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹).

2. prefix

3. stem

(۳۴) Ø از این جا برو!

(۳۵) Ø این چایی رو نخور!

(۳۶) بیا Ø کمی راجع به مشکلات زندگی مدرن صحبت کنیم!

همان‌طور که نمونه‌های بالا نشان می‌دهند، مخاطب بندهای امری به صورت بی‌نشان در بند حضور ندارد، چرا که به کمک شناسه فعل قابل بازیابی است. با توجه به امکان حذف ضمائر فاعلی و نیز وقوع فعل در جایگاه پایانی بندهای امری، می‌توان مدعی شد که بندهای امری به لحاظ الگوی آغازگر سازی، نیز تا اندازه‌ای شبیه بندهای خبری هستند. گفتیم تا اندازه‌ای، چرا که در بند امری، سازه آغازگر تنها با ضمیر فاعلی محذوف به صورت بی‌نشان هم‌پوشی دارد. بر این اساس، در بندهای امری، اگر آغازگر با ضمیر فاعلی محذوف و یا ترکیب فعل «بیا» با ضمیر فاعلی محذوف هم‌پوشی داشته باشد، بی‌نشان و در غیر این صورت، نشان‌دار خواهد بود. بنابراین، بندهای (۳۴) تا (۳۶) دارای آغازگرهایی بی‌نشان، ولی دو بند (۳۷) و (۳۸) برخوردار از آغازگرهایی نشان‌دار هستند.

(۳۷) تو چایی نخور!

(۳۸) غذا را تو نپز!

با توجه به آنچه در خصوص تعامل دو زیرنظام «گزینش آغازگر» و «نشان‌داری آغازگر» با نظام «وجه» در زبان فارسی گفته شد، می‌توان مدعی شد که در این زبان، انتخاب عنصری به عنوان آغازگر بی‌نشان یک بند مستقل، از نوع وجه آن بند است. به بیانی روشن‌تر، در زبان فارسی، در همه انواع بندها به استثنای بند امری، فاعل (خواه آشکار و خواه محذوف) آغازگر بی‌نشان است. شایسته یادآوری است که در بندهای امری هم، فاعل محذوف، یا ترکیب فعل «بیا» (به قیاس با فعل «Let's» در زبان انگلیسی) + فاعل محذوف، آغازگر بی‌نشان می‌باشد. بر این اساس، زبان فارسی در شیوه انطباق زیرنظام «گزینش آغازگر» با نظام «وجه» رفتار کاملاً متفاوتی با زبان انگلیسی دارد. همان‌طور که پیش‌تر (رک. بخش ۲ (ب)) نیز گفته شد، در زبان انگلیسی، ماهیت آغازگر موضوعی بی‌نشان با توجه به نوع وجه متغیر است. به

۱. شایسته یادآوری است که منظور از فاعل محذوف، ضمیر فاعلی غیرمؤکد است که در زبان فارسی، به صورت پرسامد و بی‌نشان حذف می‌شود، چرا که از طریق شناسه فعل قابل شناسایی است.

بیانی دیگر، در زبان انگلیسی، انتخاب آغازگر یک بند کاملاً وابسته به انتخاب وجه آن بند است. جدول (۲) در زیر نمونه‌هایی از رخداد آغازگر 'بی‌نشان' در انواع مختلف بند، یعنی به ترتیب خبری، پرسشی بلی/خیر، پرسشی پرسش‌واژه‌ای، تعجبی، و امری (تو/من و تو)، در دو زبان فارسی و انگلیسی را نشان می‌دهد:

جدول ۲- آغازگر بی‌نشان در بندهای مختلف دو زبان فارسی و انگلیسی

من	فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم. (تکرار نمونه (۹))
تو	برای همین حرف‌ها بیرونش کردی، هان؟ (گلشیری، همان: ۱۷)
بیژن	پولو به کی داد؟ (ماهویتان، همان: ۲۲)
چه گل‌های زیبایی	این‌جا رو دیده است!
∅	از این‌جا برو!
بیا ∅	کمی راجع به مشکلات زندگی مدرن صحبت کنیم!
آغازگر	پایان بخش
John	saw the play yesterday. 'جان نمایش را دیروز دید.' (هلیدی، ۲۰۰۵: ۷۱)
Did this	really happen? 'آیا این واقعاً اتفاق افتاد؟' (اگینز، ۲۰۰۴: ۳۱۸)
Where	did she fly to? 'او به کجا رفت؟' (اگینز، همانجا)
How dreadful	she sounds! 'او چه وحشتناک به نظر می‌رسد.' (هلیدی و متیسن، همان، ۱۰۴)
Pass	me the soup. 'سوپ را به من بدهید!' (اگینز، همانجا)
Let's	all think about that for a moment. 'بیا باید همگی برای لحظه‌ای به آن بیندیشیم.' (هلیدی و متیسن، همانجا)
آغازگر	پایان بخش

جدول (۳) هم، نمونه‌هایی از رخداد آغازگر 'نشان‌دار' در انواع مختلف بند، یعنی به ترتیب خبری، پرسشی بلی/خیر، پرسشی پرسش‌واژه‌ای، تعجبی، و امری (تو/من و تو)، در دو زبان فارسی و انگلیسی را نشان می‌دهد:

جدول ۳- آغازگر نشان‌دار در بندهای مختلف دو زبان فارسی و انگلیسی

	آریا به نازنین داد. (راسخ مهند، ۱۳۸۵: ۲۰) تو زده‌ای؟ تو به حرف معلمات گوش نمی‌دی؟ چقدر گل هست! تو نه‌ز!	کتاب را این بچه رُ چرا این‌جا غذا را
	پایان‌بخش	آغازگر
The play	John saw yesterday. 'نمایش را جان دیروز دید.' (هلیدی، همانجا)	
On the right	is it? 'در سمت راست آیا آن هست؟' (هلیدی و متیسن، همان: ۱۰۳)	
After all, except for music,	what did they have in common? 'با وجود این، به جز موسیقی، چه چیزی آن‌ها در اشتراک داشتند؟' (هلیدی و متیسن، همانجا)	
At sunset	how beautiful the sun looks! 'هنگام غروب آفتاب، خورشید چه زیبا به نظر می‌رسد!'	
You	take the office. 'شما این منصب را بپذیرید.' (هلیدی و متیسن، همان: ۱۰۴)	
آغازگر	پایان‌بخش	

شایان توجه است که در نمونه‌های فارسی در جدول (۳)، آغازگرها 'غیرفاعلی' هستند و از این رو، جملگی 'نشان‌دار' می‌باشند. در نمونه‌های انگلیسی هم، آغازگرها به ترتیب 'متمم، افزوده، عنصر غیرپرسش‌واژه‌ای، عنصر غیرتعجبی، و فاعل آشکار' هستند. از این رو، آن‌ها هم آغازگرهایی نشان‌دار می‌باشند.

نکته پایانی آن که همان‌طور که نمونه‌های جدول (۳) نشان می‌دهند، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، آغازگرهای نشان‌دار همانند آغازگرهای بی‌نشان (رک). نمونه‌های جدول (۲) در جایگاه آغازین بند ظاهر می‌شوند. بر این اساس، دو زبان فارسی و انگلیسی با توجه به مؤلفه رده‌شناختی 'شیوه برخورد زبان‌ها با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار' رفتار یکسانی دارند. به بیانی روشن‌تر، هر دو زبان فارسی و انگلیسی با آغازگرهای نشان‌دار همانند آغازگرهای بی‌نشان رفتار می‌کنند، یعنی در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، آغازگرهای نشان‌دار در جایگاه آغازین بند و پیش از آغازگرهای بی‌نشان و بدون هیچ آغازگرنمائی (به استثنای آغازگرهای نشان‌دار محض (رک). توضیحات جدول (۱)) وقوع می‌یابند.

۴. ۲. ۳. انواع آغازگر

نمونه‌های دو جدول (۴) و (۵) در زیر نشان می‌دهند که زبان فارسی برخوردار از هر دو نوع آغازگر 'ساده' و 'چندگانه' است:

جدول ۴- آغازگر ساده در فارسی

من در زندگی خانم زهرا و یوسف خان از تبریز تا تهران	فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم. (تکرار نمونه (۹)) زخم‌هایی هست. (هدایت، ۱۳۸۳: ۹) هم نان را از نزدیک دیدند. (تکرار نمونه (۱۰)) خیلی راهه.
آغازگر	پایان بخش

همان‌طور که نمونه‌های جدول (۴) نشان می‌دهند، آغازگر ساده در زبان فارسی می‌تواند یک گروه یا یک عبارت 'ساده' («من» و «در زندگی») و نیز یک گروه یا یک عبارت 'مركب' («خانم زهرا و یوسف خان» و «از تبریز تا تهران») باشد. هم‌چنین، نمونه (۳۹) نشان می‌دهد که آغازگر ساده در زبان فارسی ممکن است یک گروه اسمی متشکل از هسته («مهمان‌هایی») و 'بند موصولی پساتوصیف‌گر'^۱ («که نزدیک زن و شوهر بودند و شنیدند یوسف چه گفت») باشد.

(۳۹) مهمان‌هایی که نزدیک زن و شوهر بودند و شنیدند یوسف چه گفت اول از کنارشان عقب نشستند. (دانشور، همان: ۱).

جدول ۵- آغازگر چندگانه در فارسی

به طوری که	همیشه	مولکول‌های حلال	به طرفی روانه می‌گردند که غلظت بیش‌تر است. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۵۷) بارید. (فهم‌نیا، همان: ۵۰)
متنی	بدبختانه	باران شدیدی	
	بینافردی	تجربی	
آغازگر		پایان بخش	

نمونه‌های جدول (۵) هم نشان می‌دهند که در زبان فارسی، سازه آغازگر ممکن است در کنار عنصر تجربی، عناصر متنی و بینافردی را نیز شامل شود. چنین سازه آغازگر را آغازگر

1. post-modifying relative clause

چندگانه، می‌نامند. همان‌طور که نمونه‌های یادشده نشان می‌دهند، عناصر متنی، بینافردی، و تجربی در درون سازه آغازگر جملگی نمود یکسانی دارند. به بیانی دیگر، هیچ یک از عناصر سه‌گانه یادشده نقش‌نمای خاصی ندارند، بلکه تنها از طریق جایگاه آغازین بند نمود یافته‌اند. شایان توجه است که عناصر سازنده آغازگرهای چندگانه در نمونه‌های جدول (۵) با ترتیب زیر وقوع یافته‌اند:

(۴۰) متنی - بینافردی - تجربی

در ارتباط با ترتیب (۴۰)، دو نکته در خور ذکر است: (الف) این ترتیب نشان می‌دهد که سازه آغازگر چندگانه از آغاز بند شروع می‌شود و با اولین عنصر تجربی پایان می‌یابد و (ب) این ترتیب نمایانگر توالی 'بی‌نشان' عناصر سازنده آغازگر چندگانه در زبان فارسی است (کاووسی نژاد، ۱۳۸۱؛ نقل شده در دستجردی کاظمی، ۱۳۹۰: ۹۷)؛ دستجردی کاظمی، همان: (۱۱۶)). بر اساس آنچه در بالا در خصوص نظام 'نوع آغازگر' زبان فارسی گفته شد، می‌توان مدعی شد که دو زبان فارسی و انگلیسی با توجه به مؤلفه رده‌شناختی 'میزان حضور انواع سه-گانه آغازگر متنی، بینافردی، و تجربی در نظام آغازگر زبان‌ها و شیوه برخورد زبان‌ها با آن‌ها' در یک رده زبانی قرار دارند. به بیانی روشن‌تر، هر دو زبان فارسی و انگلیسی (رک. بخش ۲ (ج) و نمونه‌های دو جدول (۶) و (۷)) از یک سو دارای هم آغازگر ساده و هم آغازگر چندگانه هستند و از سوی دیگر، عناصر سازنده آغازگر چندگانه از طریق 'توالی'، یعنی توالی متنی - بینافردی - تجربی، در جایگاه آغازین بند و بدون هیچ آغازگرنمائی نمود می‌یابند.^۱ در زیر، نمونه‌هایی از رخداد آغازگر ساده و چندگانه در زبان انگلیسی را می‌بینیم:

جدول ۶- آغازگر ساده در انگلیسی

John	saw the play yesterday. 'جان نمایش را دیروز دید.' (هلیدی، ۲۰۰۵: ۷۱)
In Greece	they give you nothing. 'در یونان، به تو هیچ چیز نمی‌دهند.' (اگینز، همان: ۳۰۲) ' (هلیدی و متینسن، همانجا)

۱. شایسته ذکر است که کاووسی نژاد (۱۳۸۱؛ نقل شده در دستجردی کاظمی، ۱۳۹۰: ۹۷) و دستجردی کاظمی (همان: ۱۱۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که ترتیب عناصر 'متنی - بینافردی - تجربی' در زبان فارسی عموماً با ترتیب آن عناصر در زبان انگلیسی مطابقت دارد.

ادامه جدول ۶

The Walrus and the Carpenter	were walking close at hand. گراز ماهی و نجار نزدیک هم راه می‌رفتند. ^{۱۶} (هلیدی و متیسن، همان: ۹۲)
On the ground or in the air	small creatures live and breathe. بر روی زمین یا در هوا موجودات کوچکی زندگی می‌کنند و نفس می‌کشند. ^۴ (هلیدی و متیسن، همانجا)
آغازگر	پایان‌بخش

همان‌طور که نمونه‌های جدول (۶) نشان می‌دهند، آغازگر ساده در زبان انگلیسی می‌تواند یک گروه یا یک عبارت ساده «John» و «In Greece» در یونان» و نیز یک گروه یا یک عبارت مرکب «The Walrus and the Carpenter» گراز ماهی و نجار» و «On the ground or in the air» بر روی زمین یا در هوا» باشد. همچنین، نمونه (۴۱) نشان می‌دهد که آغازگر ساده در زبان انگلیسی ممکن است یک گروه اسمی متشکل از هسته «The thing» «چیزی» و «بند موصولی پس‌توصیف‌گر» «the duke gave to my aunt» که دوک به عمه-ام داد» باشد.

(41) The thing the duke gave to my aunt was that teapot.

چیزی که دوک به عمه‌ام داد آن قوری بود.^۴ (هلیدی و متیسن، همان: ۹۴)

جدول ۷- آغازگر چندگانه در انگلیسی

well	Jane	think	of smoked salmon. حب جین ماهی آزاد دودی را تصور کن. ^۴ (هلیدی و متیسن، همان: ۱۰۴)
no	don't	worry	نه نگران نباش. ^۴ (هلیدی و متیسن، همانجا)
متنی	بینافردی	تجربی	
آغازگر			پایان‌بخش

نمونه‌های جدول (۷) نشان می‌دهند که عناصر متنی، بینافردی، و تجربی در درون سازه آغازگر چندگانه جملگی نمود یکسانی دارند. به بیانی دیگر، هیچ یک از عناصر سه‌گانه یادشده نقش‌نمای خاصی ندارند، بلکه تنها از طریق جایگاه آغازین بند نمود یافته‌اند.

۱. شایسته ذکر است که «گراز ماهی» و «نجار» نام دو شخصیت در یکی از اشعار موجود در رمان «Through the Looking-Glass, and What Alice Found There»، نوشته لوئیس کارول (Lewis Carroll) (۱۸۷۱)، است.

۵. نتیجه گیری

این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول با عنوان «مقدمه» به معرفی رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند به رده‌شناسی زبان که از آن با نام «رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند» یا به اختصار «رده‌شناسی نظام‌مند» یاد می‌شود پرداخته است. در این معرفی، چهار اصل از اصول بنیادی حاکم بر رده‌شناسی نظام‌مند ذکر شده است. در پایان این بخش، هدف اصلی این پژوهش که همانا توصیف نظام آغازگر در دستور بند ساده زبان فارسی در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴) از یک سو و مقایسه رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر زبان فارسی با رفتارهای رده‌شناختی نظام آغازگر زبان انگلیسی بوده است بیان شده است. بخش دوم این مقاله تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (همان) در ارتباط با نظام آغازگر را تشریح کرده است. بخش سوم که بخش اصلی مقاله حاضر محسوب می‌شود به توصیف نظام آغازگر زبان فارسی از یک سو و سنجش آن با نظام آغازگر زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی غالب در حوزه آموزش در ایران از سوی دیگر اختصاص یافته است. این توصیف و سنجش نشان می‌دهد که دو زبان فارسی و انگلیسی (۱) دارای ساخت آغازگری-پایان‌بخشی همانند هستند، (۲) با آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار به یک شکل برخورد می‌کنند، (۳) آغازگرهای نشان‌دار از نوع محض را از طریق واحدهای زبانی نشانه‌گذاری می‌کنند، (۴) افزون بر آغازگر ساده دارای آغازگر چندگانه نیز هستند، و (۵) با عناصر سازنده آغازگر چندگانه به یک شکل برخورد می‌کنند. اما زبان فارسی برخلاف زبان انگلیسی که نظام آغازگرش وجه‌مقید است دارای نظام آغازگر وجه‌آزاد می‌باشد. بخش چهارم این مقاله هم که در واقع، بخش حاضر می‌باشد تصویری کلی از این پژوهش به دست داده است.

کتابنامه

۱. اعلائی، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی فرانش متنی کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۴ (۲۲)، ۹۲-۱۱۳.
۲. پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۳). توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی بر پایه نظریه دستور نظام‌مند هلیدی (پایان‌نامه دکترا). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

۳. تاج‌آبادی، فرزانه، گلفام، ارسلان و محمودی بختیاری، بهروز. (۱۳۹۲). ساخت‌های تعجیبی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۴ (۳)، ۱-۲۱.
۴. حق‌شناس، علی‌محمد، سمیعی (گیلانی)، احمد، وحیدیان کامیار، تقی، داودی، حسین، ذوالفقاری، حسن، سنگری، محمدرضا ... و میرجعفری، سید اکبر. (۱۳۹۴). *زبان فارسی* (۳) (سال سوم آموزش متوسطه). چاپ هفدهم. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
۵. دانشور، سیمین. (۱۳۴۹). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
۶. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۴). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* (جلد ۱). تهران: سمت.
۸. دستجردی کاظمی، مهدی. (۱۳۹۰). توصیفی از گفتار دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی در نظریه نقش-گرای نظام‌مند هیلیدی: فرانش متن. *زبان‌پژوهی*، ۲ (۵)، ۹۳-۱۳۱.
۹. راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۵). ارتباط قلب نحوی و تأکید در زبان فارسی. *مجله دستور*، (۲)، ۲۰-۳۳.
۱۰. رضایپور، ابراهیم و سلطان احمدی، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی فرانش متن در کتاب‌های آموزش زبان فارسی سطح متوسطه و پیشرفته بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی. مقاله ارائه شده در در نخستین همایش آموزش زبان فارسی. ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۳. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۱. فهیم‌نیا، فرزین. (۱۳۸۹). توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هیلیدی، در متن کتاب‌های فارسی و انشای دانش‌آموزان دبستان. *زبان و زبان‌شناسی*، ۶ (۱۲)، ۴۱-۵۹.
۱۲. کاظمی، فروغ. (۱۳۹۳). ساخت آغازگری-پایان‌بخشی در بندهای مرکب متون علمی فارسی بر پایه دستور نظام‌مند. *زبان‌شناخت*، ۵ (۱)، ۱۴۹-۱۷۰.
۱۳. گلشیری، هوشنگ. (۱۳۶۸). *شازده احتجاب*. تهران: نیلوفر.
۱۴. ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمائی. تهران: مرکز.
۱۵. هدایت، صادق. (۱۳۸۳). *بوف کور*. اصفهان: صادق هدایت.

16. Caffarel, A. (2004). Metafunctional profile of the grammar of French. In Caffarel, A., Martin, J.R. & Matthiessen, C.M.I.M. (Eds.), *Language typology: A functional perspective*, 77-137. Amsterdam: Benjamins.
17. Caffarel, A., Martin, J.R., & Matthiessen, C.M.I.M. (2004). Introduction: systemic functional typology. In Caffarel, A., Martin, J.R. & Matthiessen, C.M.I.M. (Eds.), *Language typology: A functional perspective*, 1-76. Amsterdam: Benjamins.

18. Croft, W. (2003). *Typology and universal*. Second edition. Cambridge: Cambridge University Press.
19. Eggins, S. (2004). *An introduction to systemic functional linguistics*. Second edition. London & New York: Continuum.
20. Faghih, E., & Bahman, M. (2010). "A contrastive study of Theme in English and Azerbaijani Turkish fictional texts". *The Journal of Applied Linguistics*, 3 (1), 55-69.
21. Halliday, M.A.K. (2005). Studies in English language. In Webster, J. (Ed.), *The collected works of M.A.K. Halliday, Volume 7*, 55-109. London & New York: Continuum.
22. Halliday, M.A.K., & Matthiessen, C.M.I.M. (2014). *Halliday's introduction to functional grammar*. Fourth edition. London & New York: Routledge.
23. Hasselgård, H. (2004). "Thematic choice in English and Norwegian". *Functions of Language*, 11 (2), 187-212.
24. Khedri, M., & Ebrahimi, S. F. (2012). "Multiple Theme in English and Persian". *Theory and Practice in Language Studies*, 2 (6), 1128-1133.
25. Lavid, J., Arús, J., & Zamorano-Mansilla, J.R. (2009). *Systemic functional grammar of Spanish: A contrastive study with English*. London & New York: Continuum.
26. Matthiessen, C.M.I.M. (2004). Descriptive motifs and generalizations. In Caffarel, A., Martin, J.R. & Matthiessen, C.M.I.M. (Eds.), *Language typology: A functional perspective*, 537-673. Amsterdam: Benjamins.
27. Mwinlaaru, I.N., & Xuan, W.W. (2016). A survey of studies in systemic functional language description and typology. *Functional Linguistics*, 3 (8), 1-41.
28. Teruya, K., & Matthiessen, C.M.I.M. (2013). Halliday in relation to language comparison and typology. Manuscript.